

آخرین وضعیت حمید نوری؛ پس از ۱۶۰۰ روز انفرادی به سوئیت امنیتی منتقل شد

مجید نوری گفت: اکنون دیگر پدرم در انفرادی نیست و به یک سوئیت در منطقه امنیتی به نام هلی منتقل شده است. به این سوئیت‌ها، زندان‌های امنیتی گفته می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، مجید نوری پنج شنبه نهم فروردین ماه که برای ملاقات با پدر خود به اداره پلیس سوئد مراجعه کرده بود، توسط پلیس این کشور دستگیر شد و پس از سه روز پیگیری‌های وزیر امور خارجه و معاونت بین‌الملل قوه قضاییه، از زندان آزاد و تحویل کنسول‌گری ایران شد. نوری بلافاصله پس از آزادی، بی اینکه بتواند با پدر خود ملاقات کند، به کشور بازگشت. او از تجربه مشابه تجربه پدرش از سلول‌های انفرادی کشور سوئد می‌گوید.

ماجرای دستگیری شما در سوئد چه بود؟

نوری: اواخر آذر ماه، حکم دادگاه تجدیدنظر پدرم اعلام شد، که بر اساس این دادگاه، حکم دادگاه بدوی پدرم (حبس ابد) تأیید شد. از یک ماه پیش از صدور این حکم، ارتباط تلفنی ما با پدرم قطع شد. همزمان اعتبار ویزای ما نیز به پایان می‌رسد که به تبع آن، امکان رفتن ما به سوئد برای ملاقات حضوری نیز از بین می‌رود و در یک موقعیت بی خبری قرار می‌گیریم. از طریق رسانه‌ها متوجه شدیم که پای پدرم در زندان شکسته است و او مورد جراحی قرار گرفته است؛ با وجود این موضوع نیز همچنان ارتباط ما با پدرم قطع بود.

از طرفی با صدور حکم دادگاه تجدیدنظر، قرارداد وکیل تسخیری سوئدی ما نیز به پایان می‌رسد و او نیز دیگر در خصوص وضعیت پدرم پیگیری انجام نمی‌داد؛ تمام این عوامل منجر شد که به طور کلی در این مدت از پدرم بی‌خبر شویم. در گام نخست برای اخذ ویزا اقدام کردیم که همین امر دو ماه به طول انجامید؛ در نهایت اواخر اسفند ماه ویزای ما صادر شد. بلافاصله پس از اخذ ویزا، درخواست ملاقات با پدرم کردیم.

در نهایت فقط برای من، پنجشنبه ۹ فروردین ساعت ۱۳:۴۰ اجازه ملاقات با پدرم صادر می‌شود، به سوئد می‌روم، پنج شنبه در زمان مقرر به بازداشتگاه کرونوبری استکهلم می‌روم. پشت آیفون ورودی این اداره اعلام شد که اصلاً اسم من برای ملاقات ثبت نیست. از این خبر شوکه شدم. پس از چندین ماه بی‌خبری از پدرم برای ملاقات با او به سوئد رفتم و پیش از رفتن به این کشور زمان ملاقات گرفته بودم با این وجود به من اعلام می‌شود که نام من برای ملاقات ثبت نشده است!

زمان ملاقات به طور کلی ۴۰ دقیقه است؛ من نیم ساعت زودتر به اداره پلیس مراجعه کردم تا بتوانم از تمام این فرصت برای ملاقات با پدرم استفاده کنم. به فردی که پشت آیفون اداره پلیس سوئد بود گفتم اجازه دیدن خودم را معرفی کنم، پاسپورت من را ببینید، آیا پدرم اینجا است؛ او در پاسخ به من گفت نمی‌توانم هیچ پاسخی به تو بدهم. از این موضوع بسیار ناراحت شدم؛ با توجه به اینکه نسبت به اداره پلیس سوئد شناخت داشتم هیچ صحبتی نکردم و مکالمه را پایان دادم و رفتم. از جلوی اداره پلیس عبور کردم، کمی پس از اداره پلیس سکویی برای نشستن است، بر روی آن سکو نشستم و شروع به گرفتن ویدیو از خودم کردم که به خانواده نشان دهم، در حین ضبط ویدیو از خودم و بعد از گذشت حدود ۲۰ ثانیه از ضبط، دو مامور پلیس به سمت من آمدند و گفتند چه کار می‌کنی؟ من به آنها گفتم که از خود ویدیو می‌گیرم؛ آنها گفتند که حق نداری در اینجا ویدیو بگیری. من در پاسخ به آنها گفتم چشم و ویدیو را قطع کردم. به طور کلی روال سوئدی‌ها بر همین منوال است؛ در صورتی که از ساختمان‌هایی که تصویر برداری از آن‌ها ممنوع است، این کار صورت بگیرد، پلیس به فیلمبردار تذکر می‌دهد که ویدیو نگیرد. در کمال تعجب دو پلیسی که سمت من آمده بودند موبایل را گرفتند و فیلم را مشاهده کردند و گفتند که گوشه تصویر ساختمان اداره پلیس مشخص است. آنها به من گفتند باید صبر کنیم.

این صبر حدود دو ساعت به طول انجامید و افراد مختلفی (پلیس و نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌های سوئدی) آمدند از من پرسیدند برای چه فیلمی گرفتی و چه کار می‌کردی و من برای یکایک آنها توضیح دادم که من مجید نوری هستم و پدرم در کشور سوئد بازداشت است و برای ملاقات با او آمده‌ام؛ اکنون نیز به صورت سلفی از خود فیلم می‌گرفتم پس از دو ساعت به من گفتند همین موارد را باید در اداره پلیس بیان کنی. من را سوار ماشین کردند و به اداره پلیس بردند؛ کم کم احساس کردم که موضوع جدی است. در آنجا هر آنچه که همراه داشتم گرفتند، از من عکس گرفتند و کارهای مقدماتی بازداشت را انجام دادند. روز دستگیری من «عید پاک» در کشور سوئد بود؛ تعطیلی این روز مانند عاشورای ما است، روزی است که حضرت عیسی از منظر دیدگاه آنها به صلیب کشیده شده و به آسمان‌ها می‌رود؛ به همین مناسبت آنها چهار روز تعطیل هستند. همین تعطیلی نگرانی من را بیشتر می‌کرد. من را به سمت آسانسور بردند؛ بر روی دکمه‌ای که فشار داد به زبان سوئدی نوشته بود، انفرادی. همان انفرادی‌های معروف سوئدی. در بدو ورود به سلول انفرادی مرا تفتیش کردند و لباس‌هایم را تحویل گرفتند و لباس‌های زندان را به من دادند و من را به سلول انفرادی بردند. پدرم فضای بازداشتگاه‌های سوئد را تعریف کرده بود که تخت و تلویزیون دارد؛ اما در سلول انفرادی که من را برده بودند هیچ چیزی نبود؛ یک اتاق ۲ در سه متر با یک تشک و دو پتو.

بسیار نگران بودم و به این فکر می‌کردم که چه کسی قرار است به خانواده من موضوع را اطلاع دهد؛ زمانی که آمدند از من بازجویی کنند؛ اعلام کردم ابتدا باید با سفارت صحبت کنم. پس از ۱۰ ساعت با سفارت تماس گرفتند این تماس بسیار کوتاه بود و گفتند فقط وضعیت خود را بگوییم به سفارت اعلام کردم که به خانواده‌ام بگویند سکوت نکند و پیگیر باشند. ما پیش از این تجربه تلخ سکوت را داشتیم؛ در پرونده پدرم به ما گفتند سکوت کنید و ما

خود جریان را حل می‌کنیم؛ در صورتی که اکنون بیشتر از ۴ سال است پدر من در زندان‌های سوئد است. پیگیری خانواده‌ام و عدم سکوت آنها در آزادی من مؤثر شد. شک نکنید که سوئدی‌ها در ۴ روز عید پاک هیچ اقدامی انجام نمی‌دادند و پس از عید پاک هم تصور من بر این است که بهانه‌های دیگری برای بازداشت من مطرح می‌کردند و ممکن بود که یک داستان سرائی جدیدی انجام دهند.

تصویری که از کشور سوئد به واسطه تبلیغات رسانه‌ها در اذهان عمومی شکل گرفته است این کشور به عنوان مهد آزادی بیان شناخته شده؛ آیا واقعاً شما تنها برای گرفتن یک فیلم سلفی ۱۵ ثانیه ای بازداشت شدید؟

نوری: کشور سوئد مدعی آزادی است. یک مستند باعنوان بی‌وطن در کشور سوئد تهیه شده که در این مستند از اداره پلیس و بسیاری از ساختمان‌ها فیلمبرداری شده است. از طرفی در اینترنت فیلم و عکس‌های زیادی از اداره‌ها و برخی از ساختمان‌های مهم سوئد موجود است؛ به عنوان مثال بازداشتگاه اداره پلیس در کشور سوئد به زبان انگلیسی جستجو کنید و ببینید که نه تنها تصاویر ساختمان این اداره بلکه تصاویر سه بعدی و نقشه ساختمان‌ها را نیز مشاهده خواهید کرد.

زمانی که دادگاه من برگزار شد، وکیل تسخیری سوئدی‌ام، فیلمی که به بهانه آن دستگیر شده بودم را مشاهده کرد و از دیدن این فیلم بسیار تعجب کرد که فقط به خاطر همین فیلم دستگیر شده‌ام، به خاطر یک فیلم ۱۵ ثانیه سلفی که در گوشه تصویر بخشی از نمای ساختمان اداره پلیس کشور سوئد مشخص است. جلوی این ساختمان یک تابلو زده شده و به زبان سوئدی بر روی آن نوشته شده که لطفاً عکسبرداری نکنید. وجود این تابلو به این معنا نیست که از نمای ساختمان عکسبرداری نکنید؛ بلکه به این معنا است که اگر وارد ساختمان شدید اجازه عکسبرداری و تصویربرداری ندارید. از طرفی نیز داخل ساختمان در بدو ورود گوشی‌های همراه را می‌گیرند و من در آن روز اصلاً وارد ساختمان نشدم و اساساً جلوی در این اداره پلیس فیلمبرداری نکرده بودم. وکیل سوئدی تسخیری که برای من از طرف کشور سوئد مشخص شده بود در دادگاه بسیار تعجب کرده بود و می‌گفت اصلاً این ویدیو بازداشت ندارد، تنها باید تذکری داده می‌شد و یا در نهایت یک جریمه نقدی در نظر گرفته می‌شد (البته جریمه نقدی نیز برای زمانی است که فرد در زمان فیلمبرداری بر روی ساختمان اداره پلیس زوم کرده باشد).

صاویری که از بازداشتگاه‌های سوئد چه در گزارشی که در خصوص شما تهیه شده بود و چه تصاویری که در اینترنت وجود دارد با آنچه که شما تجربه کردید، همخوانی دارد؟

نوری: خیر اینجا هم سوئدی‌ها واقعیت را وارونه نشان می‌دهند؛ زمانی که فرد بازداشت می‌شود در ابتدا به بازداشتگاه موقت منتقل می‌شود؛ در بازداشتگاه موقت هیچ چیزی وجود ندارد یک اتاق ۲ در ۳ متر بسیار کثیف.

از آخرین وضعیت پدر خود (حمید نوری) اطلاع دارید؟

نوری: این خبر برای اولین بار در خبرگزاری فارس مطرح می‌کنم. پنجشنبه دوم فروردین با یکی از دوستان سوئدی ما با بازداشتگاه کرونوبری تماس می‌گیرد و عنوان می‌کند که مجید نوری به همراه خانواده خود می‌خواهند به ملاقات پدرش بیایند؛ بازداشتگاه اعلام می‌کند که برای نهم فروردین می‌توانیم زمان ملاقات برای خانواده نوری رزرو کنیم. ساعت ۱۴:۴۰ دقیقه نهم فروردین ماه برای ملاقات با پدرم رزرو می‌شود و جمعه سوم فروردین ماه پدرم از آن بازداشتگاه منتقل می‌شود. مثلاً امروز به ما وقت ملاقات می‌دهند و فردا او را جابجا می‌کنند! این یکی از آن اذیت‌های عجیبی است که ما در سوئد با آن مواجه شده‌ایم. زمانی که من نهم فروردین ماه برای ملاقات با پدرم به آنجا مراجعه می‌کنم، می‌گویند که چنین ملاقاتی وجود ندارد؛ چراکه اصلاً پدرم در آن بازداشتگاه نبوده و او را منتقل کرده‌اند و زمانی که من در سوئد حضور داشتم از انتقال پدرم مطلع نبودم و اگر این موضوع به ما اطلاع داده می‌شد دیگر نیازی نبود به سوئد بروم! ما زمانی که به ایران باز می‌گردم تازه متوجه انتقال پدرم شدیم. در این خصوص به ما و سفارتخانه هیچ اطلاعی نداده بودند و بنابراین بوده که باید خودمان تماس می‌گرفتیم و می‌پرسیدیم در صورتی که تماس‌های ما به بازداشتگاه به این شکل است که باید حدود ۹۰ تا ۱۰۰ مرتبه تماس بگیریم تا پاسخ دهند و هر تماس هم بین ۲ تا ۴۰ دقیقه به طول می‌انجامد و تمام این مدت ما پشت خط باقی می‌مانیم.

بر اساس یادداشت‌هایی که پدرم به سفارتخانه داده است اکنون دیگر پدرم در انفرادی نیست و به یک سوئیت در منطقه امنیتی به نام هلبی منتقل شده است. به این سوئیت‌ها، زندان‌های امنیتی گفته می‌شود. پدرم از این زندان نسبت به سلول‌های انفرادی اعلام رضایت کرده است و اعلام کرده که غیر از او سه نفر دیگر در این سوئیت حضور دارند و امکانات بیشتری در اختیار آنها قرار دارد. علت انتقال پدرم نیز این بوده است که حکم او در حال اجرا قرار گرفته است. پدرم از ۱۸ آبان ماه سال ۹۸ در انفرادی بود و بعد از حدود ۵۳ ماه معادل تقریباً ۱۶۰۰ روز انفرادی بالاخره وارد زندان شد. در خصوص شکستگی پای خود نیز پدرم عنوان کرده که پایش خوب شده و طبق نظر پزشک نیاز به فیزیوتراپی دارد که اعلام کردند با فیزیوتراپی پای پدرم نیز موافقت شده اما نمی‌دانم در واقعیت و در عمل چه اتفاقی خواهد افتاد. شانزدهم فروردین ماه پدرم با ما تماس گرفت و حدود ۵ دقیقه توانستیم با او صحبت کنیم. به ما گفت حالش خوب است و از انفرادی منتقل شده است. امیدواریم مجدد تماس‌های ما با پدرم برقرار شود و امکان ملاقات با او وجود داشته باشد و بیشتر امیدوار هستیم که به حق دعا‌های مردم و ایام ماه مبارک رمضان پدر آزاد شود و به کشور بازگردد چرا که او کاری نکرده که مستحق این همه سختی باشد.

حمید نوری، شهروند ایرانی، در ۱۸ آبان سال ۱۳۹۸ پس از سفر به سوئد از سوی پلیس این کشور در فرودگاه بازداشت شد. این شهروند ایرانی بلافاصله پس از ورود به سوئد در فرودگاه بازداشت و نخستین بازجویی از وی در ساعت‌های نخست پس از بازداشت انجام شد. دادگاه بدوی رسیدگی به اتهام‌های ادعایی نوری از ۱۸ مرداد ۱۴۰۰ آغاز و در ۹۲ جلسه پر از تناقض و ابهام برگزار شد و در تیرماه سال ۱۴۰۱ در حکمی غیرقانونی، ناعادلانه و بدون شواهد متقن حبس ابد حمید نوری از سوی این دادگاه صادر شد. در جریان دادگاه بدوی ۹۲ جلسه برگزار شد که از این ۹۲ جلسه تنها ۷ جلسه به حمید نوری برای بیان دفاعیات اختصاص داده شده است. ۹۲ جلسه نمایشی دادگاه برای حمید نوری که صرفاً متکی به شهادت متناقض عده‌ای از اعضای سابق و فعلی گروهک تروریستی منافقین بود، برگزار شد؛ در مجموع حدود ۵۰۰ ساعت دادگاه حمید نوری، او کمتر از ۲۰ ساعت فرصت دفاع از خود را داشته و در جریان این پرونده نوری عملاً از حق دفاع آزادانه از خود در برابر ادعاها و شهادت‌های متناقض مطرح شده نیز محروم بوده است. روند دادگاه تجدید

نظر حمید نوری از ۲۱ دی ۱۴۰۱ آغاز و در چند مرحله برگزار شد؛ دادگاه تجدید نظر سوئد ۲۸ آذر، رای نهایی را درباره حمید نوری صادر و حکم حبس ابد دادگاه بدوی را تایید کرد. در پایان دادگاه تجدیدنظر، دادگاه با صدور قرار اعلام کرد که حکم نهایی درباره پرونده حمید نوری در روز ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر ۱۴۰۲) صادر و در دسترس قرار گرفت. روز ۱۶ اسفند گذشته دادگاه عالی سوئد با انتشار بیانیه‌ای در وب‌سایت خود اعلام کرد که درخواست تجدیدنظر حمید نوری را رد کرده است. بر این اساس دادگاه عالی سوئد درخواست تجدیدنظر حمید نوری را رد و حکم حبس ابد وی را تأیید کرد.